

مدیر کل

جلال الدین الاحمدی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)

﴿عنوان مراسلات﴾
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
﴿قیمت يك نسخه﴾
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطرى

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است



چهارشنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲ خر داد ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۲ مه ۱۹۰۷ میلادی



ناشکری و کفران نعمت

(و اذا اذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم اذالهم)
(مکر فی آياتنا قل الله اسرع مکرا ان رسلنا یکتبون)
(مایمکرون)

رحمت خداوند شامل همه مردم عالم است چرا که همه بندگان خدا و آفریده او هستند — با کسی دوستی و دشمنی نداده — خویش و قوم کسی نیست رفیق برای خود نگرفته آشنائی با بنده و شما ندارد پسر و فرزند قبول نمیفرماید (ما اتخذ لنفسه صاحبه ولا ولدا) انکسرا دوست دارد که کار نیک نکند و فرمانشرا اطاعت نماید وسیله نزدیکی بخدا برهیز کاری و درست رفتاری است (ان اکر کم عند الله ا تقی کم) همینکه يك ملنی از فرمان خدا بیرون میروند و از روش اصلاح دور میشوند شدت و سختی آنها را فرومیگیرد . و فتنه بوظائف خود قیام مینمایند راحت میشوند . لازمه نعمت شکر گذاری است و شرط رحمت بندگی

حالا بندگی و شکر گذاری چیست ؟ عقیده بنده آنستکه بندگی عبارت است از اینکه شخص با خدای خود راست باشد هر کس را میخواهد گول بزند با خداوند درست راه برود حقه و حیل در عمل خدائی جایز نشمارد مکر و تدویر را نسبت بایات الهی روا ندارد . و بداند که اگر بیرامون این خیالات باطله کرده نتیجه اش غیر از مذلت و خواری چیزی نیست . بچه دلیل ؟ بدلیل همان آیه که در اول مقاله نوشتیم اگر معنی او را تفهیمید برای شما ترجمه کنم تا بدانید خداوند از حال ما غافل نیست و هیچ امری را فراموش نکرده است تمام احوال

مارا در قرآن صریحاً ذکر فرموده و راه و چاه را بما نشان داده است

انچه از آیه میشود فهمید آنستکه : چون روزگار بر شما تلخ شد و در ذات و نا توانی افتادید و مدتی رنج بردید و در زیر زنجیر رقیت اسیر و دستگیر گشتید و مستبدین خانه شمارا خراب کردند و از خاک راهی مقدار ترش کردند خورا کتان خون دل شد و باندازه گناهان و نافرمانیهای خود عقوبت و عذاب کشیدید . بر شما رحم میکنیم و رحمتی نازل مینمائیم طوق عبودیت ظاهر از گردنتان برداشته آزاد و مطلق العنان میسازیم دفع ظلم و رفع شر از شما میکنیم نعمتهای خود را بشما موهبت مینمائیم زندگانی تازه و حیات خوش بشما میدهیم ، اسباب راحت و استراحتتارا از همه جهت فراهم میاوریم — پس بر شما است که قدر این نعمت را بدانید و در مقام شکر گذاری حیل و شیطنت را دور کنید با قلب صافی و نیت خالص احسان و رحمت مارا استقبال کنید و بدانید که خداوند از عقوبت شما گذشته بدرانیم و دولت و ثروت و عزت بسویتان خواهد فرستاد و ایام تان بر خلای گذشته مبدل بخوشی و خوبی خواهد شد . و بر شما است که این حسن و سعادترا از خدا بدانید و مرور بفهم و تدبیر خود نشوید و گمان نکنید اقدامات شما اسباب حصول و وصول این سعادت شده و قتل بسته اقبال را کلید درید قدرت شما است هر ساعت بخواهید هر کار را بزور تدبیر پیش می برید

و هرآینه اگر این سودای خام در مغز بعضی از شما جای گیر شود و بخواهید بمکر و تگری این خوشبختی را اسباب و وسیله کار خود و اغراض شخصی خویش

قرار بدهند و با خدای خود تفاق و مکر بکنند و مشغول شوند بانچه نباید مشغول شد ، قطعاً و بطور حتم از این تبدیل نیت و تغییر مسلک صرفه نخواهند برد و روسیاه و بدبخت خواهند گردید

چرا بعلت آنکه اجراء يك خيال اثر برای مخلوق مدتی وقت لازم دارد هیچ امری را فوراً نمیتوانند از قوه فعل آرند زمانی مدید باید و مقدمات بسیار لازم میشود ولی خداوند تدبیر و اراده اش مقارن فعل میشود تا خواست يك اشاره عالمی ایجاد میکند و بمحض اراده جهانی را از صفحه هستی محو و نابود میازد (قل الله اسرع مكر) بگو ای پیغمبر که خدا مکرش سریعتر است و زودتر واقع میشود يك وقت شما مشغول ترتیب مقدمات هستید که می بیند کار گذشت مجال باقی نماند — انوقت آنگشت ندامت بدنمان میگریزد و دست افسوس برهم میزنید و منادی حق در گوشستان بیانک بلند میگوید (الان قدندمت و ما ینفع الندم) امروز که پشیمان شده اید پشیمانی سود ندارد غصه خوردن و تم افسوس برهم مالیدن فائده نمی بخشد ملت را سعادت معدوم نمیشود ولی شما دچار سختی و ابتلاء میشوید

هان هان ای عتلاء ای دانایان این آیه وافی هدایه را بنظر غور و تأمل مطالعه کرده تکلیف حال و آینده خود را ملذذت شوید

فریب شیاطین انس و جن را نخورید. گوش بحرف مفرضین ندهید. نیات مقدسه خود را بهوایهای باطنه مستبدان مشوب نسازید تا خدا در هر حال شمارا یار و یاور بوده در دو دنیا شما را اجر جزیل کرامت فرماید

﴿ تأسف و تابه ﴾

همه میدانند که تا امروز آنچه بد بختی بما رخ نموده و بلا و مصیبت بر سر ما آمده بواسطه نداشتن آدم یعنی عالم بوده چندان محتاج توضیح نیست که تا آدمهای عالم پیدا نکنیم هیچیک از بد بختیهامان رفع نخواهد شد روشنترین دلیل این مطالب اینست که بمحض پیدا شدن وجود چند نفر عالم کارها رو باصلاح گذاشته

بعد از آنکه سالها گرفتار تنگی و سختی و دچار مسذت و بد بختی بودیم و تقصیر را بگردن این و آن میکشیدیم روزگار را ناپایدار و زمانه را غدار میخواندیم آسمانرا مکر و اختران را کز مدار و خودمانرا در این میانه مخلوم صرف و بیگناه محض

نصور میگردیم

عاقبت ملذذت شدیم که عقیده ساق غلط و باطل بود همه گناهها بگردن خودمان است که علم نداریم و نمیدانیم راه رستگاری کدام و طریقه تحصیل ثروت و عرت چیست

و بحس دریافتیم که (و ان كانت سیئه فمن قسك) راست و (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بافسهم) درست است

پس دانستیم که باید عالم شد و دیدیم که مدرسه و محصل داریم با نهایت مسرت دلخوش داشتیم که چند سال دیگر این محصلین در این مدارس تحصیل کرده و تربیت شده و دردهای مملکت را دوا و مقاصد ملت را روا میکنند باین امید همه غصه های پیشرا از خاطر محو و تمام مشقتهای ساق را فراموش کردیم

بامید درمان با فرد ساختیم و بخیال روز وصل بشکایت از شب هجران نپرداختیم

ولی بد بختانه می بینیم خیال باطل بخته و طمع خام کرده بودیم و بجای اینکه يك آینده روشن خوش برای مملکت تصور میگردیم این حاك بیچاره را روز های تیره در پیش و آسمان استقبال این مملکت را ابرهای تاریك در کار برشیدن است

نه درسی داریم نه معارف داریم نه معلم داریم نه شاگرد داریم اما اینکه درس نداریم چون تحصیلات بچند شعبه منقسم میشود مقدماتی رشدی عالی و خصوصی از قبیل معدن شناسی نظام و غیره در مملکت ما هیچیک از این تحصیلات را نمیشود تکمیل کرد زیرا تحصیل از روی کتاب است

و کتاب را باید آموزگاران ماهر و دانشمندان کامل برای هر درجه از تحصیل بنویسند و تصدیق مجلس علمی برسانند والا هر کتا بیا هر جا درس بدهند فائده ندارد طبیعی که باید در مدرسه صنعت تحصیل کرد غیر از آن است که در مدرسه فلاحت لزوم دارد معماری شهری غیر از معماری روستائی است

حالا کتب علمی و عالی نداریم پیشکشان کتب مقدماتی و ابتدائی هم نداریم

اول کتابیکه بعد از الف بالازم است و بواسطه آن محصلین باید عبارت خواندن و عبارت فهمیدن یاد گیرند يك دوره کتاب است مرکب از چهار پنج جلد که جلد اولش بسیار ساده و آسان و درخور فهم کودکان و جلد های دیگرش بتدریج بالا رفته تا پنجمش علمی و ادبی و در نهایت فصاحت باشد و چنین کتب را بفرانسه لکتور و عبری قرائت گویند

حالا فرمایند این قسم کتاب در ایران کجا پیدایشود
اسم او چه معنایش که قیمتش چقدر و محل فروشش در کدام
کتابخانه است

میخواهیم برای دختران کتاب بنویسیم هیچ خیال
نمیکنیم این کتاب باید طوری باشد که معلمه ما و ملا
باجبهای این شهر آن را بفهمند و درس بدهند بر میداریم
اوراق و صفحاتش را برمیکنیم از لغات مطلق و عبارات
پیچیده و سر بسته چنانچه برای فهم يك جمله اش تمام
قانسهای عالم را باید حاضر کنند

باز هم شکایت داریم که چرا کتاب موش و گربه و ...
هنوز معمول است آخر کتاب موش و گربه غیر از يك
مصرعش که بملاحظه ترکی نوشته تماما سهل و ساده و
زردیک بفهم اطفال است

نویسندگان ما فقط فصاحترا در استعمال لغات غیر
مانوسه عربی از قبیل عائله و غاق و سخیف ترزع
و ... و نوشتن شمس بجای خورشید و قمر عوض ماه
و ارض برای زمین و ... و انشاء بردازیرا عبارت
از قایم آوردن مردك با زردك و تنگی با جنگی و کارد
با آرد میدانند

يك کلمه نشنیده بگویم کتب فارسی هیچکدام قابل
خواندن نیستند و چون يك صفحه آنرا نگاه کنند
می بینند به آواز بلند میگویند من قابل خواندن نیستم
چون در زبان ما آنچه کتاب تالیف شده مطالبش ابتدائی
و مقدماتی است و عبارتش مفاق و مبهم چنانچه هر کس
محتاج بدطلب آن است عبارتشرا ملتفت نمیشود و آنکه
عبارتشرا میفهمد از مطالبش بی نیاز

حالا چرا کتاب نداریم و آنچه داریم بدرد
نمیخورد میدانم ولی مطلب لازمتر در پیش دارم و
میخواهم بگویم مدرسه نداریم

شاید فرمایند (گر نیند بروز شب بره چشم)
(چشمه آفتابرا چه گناه) الحمدلله از هر کوجه و
محله بگذریم يك لوحه بزرگ می بینیم که رویش نوشته
مدرسه مبارکه ... و طرف صبح و بعد از ظهر
بیچه ها و جوانها کتاب زیر بغل گرفته و بانجا میروند
و پیش از ظهر و عصر صف بسته بیرون میآیند

بلی بنده هم متکرر اسم نیستم حرفه دارم در
رسم است اگر تنها با اسم کار پیش میرود بنده یکدفعتر
بزرگ برای شما ترتیب میدهم و اسم دو کورور سرباز
در آن ثبت کرده يك کتابچه هم بر او رد مخارجشان
مینویسم اما بینیم با این دو کتابچه میشود حفظ وطن
کرد داخله را امنیت داد حقوق مملکت و ملت را
محفوظ داشت ... ؟

باری بر کردیم در مدارس می بینیم بعضی
پرگرام ندارند بعضی دارند و بدراد نمیخورد وضع
عمارات پاره مناسی شرایط حفظ صحت دخل و
خرجشان غیر معاموم درجه علمی که ممکن است
شاگردان در آن مدرسه حاضر کنند
خدا میداند و صد هزار مطلب دیگر وزارت علوم
عوض اینکه هم خود را مصروف اصلاح و ترقی عموم
مدارس ایران کند و برای از دیاد مدرسه و سایر
وسایل تحصیل اقدامات نماید دایره تصرف خود را بمدرسه

دارالفنون و نظامی محدود نموده ...
کون نظامنامه مدارس کو اداره تفتیش معارف
قانون وزارت علوم چه شد بودجه انرا کی تقدیم مجلس
کردند، برای تاسیس انجمن معارف و مجالس علمی چه
اقدامات بعمل آمده، و کدام ترتیبات داده شده؟

گمان میکنم برای اثبات اینکه مدرسه نداریم همین
اندازه بس باشد حالا باید بگوئیم معلم نداریم

تحقیق یکی از علماء جلیل

خدمت جناب مدیر محترم روزنامه ... زحمت
عرض میدهد بدون ترتیب مقدمات در این ملت هر کس را
دل دانا و چشم بینا نیست میدانند این مملکت در شرف
هلاکت و این ملت داخل در تاریکی است و دانایان اجل
محتوم او را خیلی زود میروند میدانند چه شدیک
حرکت اجتماعی که اساسش جز ضعف دولت و مختصر
بیداری از بعضی افراد ملت و شدت ظلم بانها چیز دیگر
نمیتوان گفت بهر حال با نظر امام زمان عجل الله فرجه یا
فشار طبیعت یا بیداری ملت یا گرفتاری همسایه شمالی
یا شدت سختیهای عین الدوله یا دست قدرت هر چه
بود برآستی یا اشتباه سری در سرها بیرون آورده خود
را در دایره حقوق خواستیم صاحب حق نمائیم و الحق
تعالیم بی فکر و رونت تا اینجا که رسیده بد نیامده
ولی افسوس داریم از اینکه آنچه را مستبدین منتظر بودند
در این دوروز طبیعه آن ظاهر شده و کم نعمات زیر و
بم مخالفت بلند گردیده و میترسیم این نونهال آزادی
هنوز برگی پیدا ننموده و ریشه استوار و محکم نکرده
باد شقاق و فاق و اختلاف خانگی و داخلی او را برکنند
شیخ سعدی فرموده (درختی که ریشه محکم ندارد
برك خرم بر نیارد)

مطلب ما در دو سه فصل از قانون اساسی است
که مایه اختلاف گردیده این خادم وطن در دو مسئله
آن بطور اختصار چاره او را عرض مینماید کویا یکی از
مسائل مسئله تعلیم اجباری است بزبان این جریده فریده

دریافت می‌شد متحمل شده عینا همین وجه را برای آبادی مملکت بتوسط انجمن بمصرف میرسانند خاطر مبارک مسبوق باشد که وکلاء محترم انزلی از کایه حقوق دولتی و ملتی و پلیتیکی اطلاع کامل دارند و بطوری حرکت نمی‌کنند که وسیله بدست طرفی داده امیدوارم که در نامه مقدس خواهید درج فرمود

مجاهد وطن میر ابو طالب اسد زاده رشتی

(تسکراف مخصوص اداره)

از انزلی — طهران اداره جبل المتین در طالش اربع السلطنه برضد مشروطه بیداد میکند رعایا از نظام چهل ساله آن خانواده بستوه آمده الان این خبر بانجمن اتزلی رسیده در تلگرافخانه ترجمه شده است . (ابوذر)

ترجمه

دوم ربيع

انجمن مستعمرات بر حسب تکلیف سیرو و افراد بر قرار کردن راهی را میان انگلستان و استرالی و شرق اقصی پذیرفته هیئتی برای انجام اینکار مامور کرد اینرا هر که از میان کانا و امیکندرد و باید دولت انگلیس بکشد میگویند پنجروز مسافرت استرالی و بریتانی را نزدیک میکند

هیئت انگلیسی که جزو مجلس ملی هندوستان است بر محاکمه و مجازات لایبارنره اعتراض نموده و انعقاد انجمنی از هندیا ترابجهت تجسس اسباب شورش هند مطالبه نمود در مدرسه کابریج برنس فوشیمی را افتخار القب دکتر حقوق داده و نهایت احترام نسبت بوی بعمل آمد در انتخابات اتزلیش حزب سوسیالیست غلبه کرده و پارتنی المان مغلوب شد دارالفنون اکسفرده برنس فوشیمی لقب افتخاری دکتر حقوق داد

اعلان

دوراس مادبان جوان آبتن ممتاز اصلی از نژاد خالص عربی به ششصد قرعه لاناگ گذاشته از قرار هر قرعه يك تومان طالبان به حجره باغداسر اوکیان مقابل سبزه میدان رجوع نمایند

(اعلان)

خیابان چراغ گاز باغچه مشهوره بزرگر آباد مدرسه مبارکه انتصاریه مجلس شبانه اکابر از اول غروب الی دو ساعت و نیم از شب دائر و منعقد است حسین انتصار

حسن الحسین الکاشانی

از حجج اسلامی و وکلای ملت استدعا می‌نمایم تعلیم اجباری را در این فصل تمام فرمائید بمضمون حکم مشحون (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة) و اگر العلم علمان علم الابدان و علم الادیان) صحیح بدانند فریضه عام را توسعه دهند و همه کتب اسمانی قسم امروز بدانند بدون مکاتب حریره و علوم جدیده ممکن نیست این مملکت را ارش اجانب حفظ نمود (بقیه ارد)

مکتوب شهری

خدمت مدیر روزنامه مقدس جبل المتین عرض میشود در شماره ۱۶ نامه مقدس در صفحه ۴ شرحی در خصوص انجمن انزلی و خرج تخم مرغ حمل بخارجه را مرقوم داشته و رأی مدیر اداره هم بر این است که وصول این گونه صادرات از وظیفه انجمن محلی خارج است از آنجائیکه و قایع نکار انزلی مشروحاً بعرض رسانیده لازم دانسته که خرج تخم مرغ بندر انزلی را تشریح نموده که رفع اشتباه از عامه مردم شده باشد که انجمن ها هرگز خارج از تکلیف و در امور آن که راجع بممل مالیه و گمرک و صادرات دولتی باشد مداخله نخواهند کرد در زمان حکومت سپهدار جمعی آمدند که یکی از لوازمات معاشی مملکت برای فقرا و سایرین تخم مرغ است و این متاع هم بجهت حمل بخارجه گران شده است و از حکومت محل بسختی توقیف این متاع را خواستگار شده حکومت هم بر حسب میل اهالی حمل تخم مرغ را بخارجه قدغن اکیدور نمودند چندی نگذشت که اهالی انزلی توقیف این متاع را متحمل نشده از در رهوه درآمدند مامور مخصوصی از رشت گرفتند و خرج معینی باسم عبور از هر یاشکی که حمل بخارجه می شود دوازده قران مامور ایالت حق سکوت اخذ می کرد بعلاوه از اینکه گمرک بموجب تعرفه خود دریافت می کردند عمل تخم مرغ انزلی فریب دوسالی به همین قسم گذشت که آقایان رؤسای رشت با امتیاز ساختن راه قازیان و واگذار نمودن بروسها این دخل را موجب گذرانده در جزو مالیات موقتی رشت ثبت کردند و آقایان هم محروم از اخذ مواجب شدند و حکومت محلی اخذ می کردند از آنجائیکه در زمان استبداد کسی قادر بوصول حقوق نمی شد اینک که سفره عدالت در تمام بلاد ایران گسترده شد و تا جائیکه ممکن است اهالی ایران قبول ظلم و ستم نمی‌کنند انجمن حکومتی که در انزلی دائر گشته و بعضی خرج های ولایتی از قبیل اسباب اطفائی و تنظیفات برای انجمن فراهم است و تجار آن سامان هم بطوع و رغبت بدون اجبار و جبری که سالهای دراز بود بجبر و حکم ها که محل از بابت حمل تخم مرغ بخارجه